

عنوان مقاله:

مقایسه «نامبرایی» از نظر یاسپرس و «فنا ناپذیری» از نظر ملاصدرا

محل انتشار:

مجله جستارهایی در فلسفه و کلام، دوره 55، شماره 2 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسندگان:

الهه زارع - دانشگاه فردوسی مشهد

اعظم سادات پیش بین - استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان

خلاصه مقاله:

مفهوم مرگ الهام بخش تاملات فلسفی متعددی درباره وجود انسان است که در نوع نگرش و نحوه ی زندگی انسان تاثیرگذار است. ملاصدرا و یاسپرس به عنوان دو فیلسوف اصالت وجودی، به مساله مرگ و ابعاد آن توجه داشته اند. از مقایسه آرای این دو فیلسوف که با رویکرد تطبیقی و تحلیلی صورت گرفته است، این نتایج حاصل می شود که یاسپرس فارغ از نگاه دینی و عرفانی، مواجهه انسان با مساله مرگ را به عنوان یک موقعیت مرزی، از موثرین عوامل شکل گیری هویت و یافتن خود اصیل انسانی می داند. وی با تمایز قائل شدن بین مراحل سه گانه وجود تجربی انسان با مرتبه اگزیزتنز بر این باور است که انسان در مرتبه متعالی اگزیزتنز قابلیت درک جاودانگی یا به تعبیری «نامبرایی» و «تجربه ابدیت» دارد و بدون داشتن بعد مجرد می تواند آن را در طول حیات خود تجربه نماید. از سوی دیگر مرگ و فنا ناپذیری از نظر ملاصدرا مفهومی گسترده و نظام مند دارد که برگرفته از مبانی فلسفی و دینی وی است؛ در فلسفه صدرایی میان تجرد نفس و جاودانگی آن ملازمی برقرار است و نفس دارای مراتب وجودی مختلف است که با حرکت جوهری خود و طی مراتب تکاملی وجودی به مراتب تجرد دست می یابد و نه تنها با نابودی بدن از بین نمی رود بلکه همواره به دلیل مجرد بودن، همواره جاودان و فنا ناپذیر خواهد بود. وی جاودانگی را امری تشکیکی دانسته که هم در این دنیا با مرگ ارادی و هم بعد از زندگی دنیوی مطرح است.

کلمات کلیدی:

یاسپرس، موقعیت مرزی، ابدیت، ملاصدرا، مرگ، فنا ناپذیری، نفس

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1942177>

